پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۴۸ - ۱۲۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۶

پیچیدگی سیاست خارجی در خاورمیانه، ارتقاء در نظم آشوب

محمد جواد رشیدی [۱]
ابومحمد عسکرخانی [۲]
مریم مرادی [۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

چکیده
پژوهش حاضر به دنبال بررسی وضعیت پیچیدگی سیاست در خاورمیانه و راهکارهای ارتقاء بازیگران در عرصه سیاست خارجی است. از این منظر، مهم ترین هدف، ارائه دو رویکرد مختلف، اما به هم پیوسته است؛ اول اینکه منطقه خاورمیانه چگونه در یک وضعیت آشوب و چندگانگی به سر می برد و دوم، ارائه راه حل برای همکاری بازیگران سیاسی در وضعیت پیچیده سیاسی و مذهبی است. بنابراین سؤالی که پژوهش حاضر مطرح می کند این است: راهکارهای ارتقای رفتار بازیگران در عرصه سیاست خارجی در منطقه خاورمیانه کدام است؟ یافته‌های پژوهش نشان می دهد که ارتقاء در نظم آشوب و پیچیده نیازمند درک سیستمی از تهدیدات و فرصت های موجود در آن منطقه است. به طور مشخث خاورمیانه از تهدیداتی نظیر تروریسم شبکه ای و پیچیده و همچنین دخالت قدرت های فرامنطقه ای رنج می برد که هر یک از این تهدیدات خطری برای حیات کشورهای مختلف منطقه هستند. به علاوه، بخش مهمی از تهدیدات نه ذاتی منطقه، بلکه ساختگی و حاصل دخالت قدرت های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده است. با درک این تهدیدات و ایجاد فرصتی برای مقابله با تروریسم شبکه ای و همچنین اجماع بر سر مسائلی از جمله استفاده از موقعیت جغرافیایی منطقه و همچنین انرژی های موجود در آن می توان راهی برای ارتقای بازیگران از طریق سیاست خارجی پدید آورد.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، آشوب، ارتقاء، خاورمیانه.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد بین الملل قشم، دانشگاه ازاد اسلامی، قشم، ایران.
rashidi.javad159@gmail.com

۲. دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد بین الملل قشم، دانشگاه ازاد اسلامی، قشم، ایران. (نویسنده مسئول)
asgarkhani@yahoo.com

۳. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد بین الملل قشم،دانشگاه آزاد اسلامی،قشم،ایران. moradimaryam@yahoo.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

۱. مقدمه

طرح مسأله: سیاست خارجی بازیگران در مناطق مختلف تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که از جمله مهم-ترین آنان، میزان متکثر و یا پیچیده بودن مناطقی است که کشورهای مختلف در آن قرار دارند. از این منظر، نقش عوامل منطقه‌ای و جهانی از جمله دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، گرایش‌های ایدئولوژیکی، بازیگران فراملی، گروه‌های غیردولتی و ... مورد توجه است. این وضعیت به طور مشخص درباره خاورمیانه به عنوان یکی از مناطقی که تحت تأثیر متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد، مصداق پیدا می‌کند. علاوه بر این، منطقه خاورمیانه دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که نمایانگر نقش مهم این منطقه در معادلات سیاسی و بین‌المللی است. به طور مثال، خاورمیانه بزرگترین تولیدکننده نفت و گاز در جهان است. مهم‌ترین آبراهه‌ها و منابع متعدد انرژی در این منطقه است، زیرا مهم‌ترین تنگه‌ها بین کانال سوئز، تنگه داردانل، تنگره بسفر، تنگه هرمز، باب‌المندب، خلیج‌فارس، دریای‌عمان، بحر احمر، دریای مدیترانه، دریای‌اژه و دریای‌سیاه در این منطقه ژئوپولتیکی قوی قرار دارند (افشین‌نیا، ۱۳۹۴: ۹). ضمن اینکه منطقه خاورمیانه در زمره مناطقی است که تضاد و تعارض‌های قومی و مذهبی و همچنین نزاع‌های فرقه‌ای در آن موج می‌زند. این رویه حتی در دوره معاصر نیز به خوبی نمایان است. چه اینکه گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات باعث ظهور گروه‌ها و هویت‌های جدیدی در منطقه شده است که به شکل قابل توجهی می تواند معرِّف منطقه آشوبی باشد. بنابراین خاص‌گرایی از یک جهت باعث پیچیده شدن منطقه خاورمیانه نیز شده است. زیرا همه روزه بر تعداد بازیگران غیررسمی در این منطقه افزوده می‌شود. مهم‌ترین علت ظهور این شکل از خاص‌گرایی، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی هستند که طرفداران ایده‌های مختلف را از سراسر جهان دور هم جمع می‌کند (Laquer, 1996: 71). در هر صورت با در نظر گرفتن تهدیدات و فرصت های موجود در خاورمیانه می توان اطلاق وضعیت پیچیده و آشوبی بر این منطقه را نیز صحیح دانست.

هدف: دغدغه اصلی پژوهش حاضر، بررسی وضعیت بازیگران سیاسی در منطقه خاورمیانه از حیث چگونگی ارتقا در یک نظم آشوب زده از طریق سیاست خارجی است. به عبارتی دیگر، بازیگران سیاسی حاضر در منطقه خاورمیانه چگونه می‌توانند در یک نظم آشوب

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

زده و پیچیده به همکاری و همگرایی روی بیاورند و هویت‌های خاص خود را نیز دنبال نمایند. پژوهش حاضر با بهره گیری از چارچوب نظری آشوب و به کارگیری مؤلفه‌های آن درصدد است تا راهی برای ارتقای رفتار سیاسی بازیگران خاورمیانه در وضعیت آشوبی ارائه دهد.

ضرورت و اهمیت تحقیق: اهمیت تحقیق حاضر از آن رو است که بخش مهمی از تعارضات و خشونت‌های شکل گرفته در خاورمیانه ناشی از عدم درک بنیادین این تحولات و سپس عدم ارائه راه حل سیستمی برای حل آنان است. به علاوه اینکه، کشورهای منطقه با گرایش به قدرت های فرامنطقه‌ای بخش مهمی از منابع خود را صرف جنگ افروزی و خشونت ورزی در منطقه مزبور می‌نمایند و از فرصت‌های پیش‌روی خود برای توسعه غافل مانده‌اند.

روش: پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با بهره گیری از این رویکرد و به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ارتقای رفتار بازیگران در عرصه سیاست خارجی همت گمارد.

پیشینه: برخی تحقیقات موجود به بررسی و کاربست نظریه آشوب و همچنین تحولات و ویژگی‌های منطقه خاورمیانه پرداخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود. فرهاد قاسمی (۱۳۹۷) در مقاله «گذار در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده-آشوبی: ایران» به بررسی تکامل سیستم‌های نوین قدرت‌یابی در دوره معاصر اشاره می‌کند که پیچیده و چندوجهی هستند. نویسنده در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که در ادبیات جدید روابط بین‌الملل به شکل مشخصی به مسأله پیچیده بودن و آشوب در نظریه‌های روابط بین‌الملل توجه نشده است. از این‌رو، ایران نیز به عنوان یک کشوری که در منطقه حساسی نیز قرار دارد، مشمول چنین گذاری خواهد بود. چنان چه به دلیل قرار گرفتن در بخش‌های کانونی و درگیر بودن در فرایند گذار، در معرض تهدیدات راهبردی نیز قرار دارد. به عقیده وی، بر پایه رهیافت چند بازیگری به ویژه روسیه و چنین و همچنین کنترل مبتنی بر بازدارندگی می‌توانند به عنوان مهم‌ترین راهبرد گذار شاخه ای ایران محسوب شوند. فرهاد قاسمی (۱۳۹۶)، در مقاله دیگری با عنوان «نظریه پیچیدگی و آشوب: چرخشی نوین در تبیین تکامل شبکه‌های منطقه‌ای»، رهاوردهای نوین ارتباطی را عاملی برای ظهور شبکه های جدید قدرت در جهان معاصر می داند که حتی سبب الگوهای نوظهور منطقه ای و بین المللی شده است. بنابراین در چنین فضایی، سیستم چندپیکری، فشارهای سیستمی، خوشه ای شدن نظم، ترکیب خوشه ها د ر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

قالب سیستم چندپیکری، هم افزایی و سیکلی بودن فرایند حیات سیستم و سیالیت در شکل بندی از مهم ترین قواعد و سازوکارهای نظم منطقه ای نوین هستند که بر مبنای نظریه های آشوب و پیچیدگی قدرت در دوران معاصر می توانند قابل تحلیل باشند.

فرهاد قاسمی (۱۳۹۸) در کتاب «نظریه پیچیدگی-آشوب و جنگ در روابط بین‌الملل» به توضیح مدل‌های مختلف تحلیلی در سیستم بین‌الملل می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با استفاده از مدل‌های جدید در عرصه روابط بین‌الملل، وضعیت پیچیده و آشوبی را در مراحل مختلف تکامل، گذار و پیوند آن با جنگ مورد بررسی قرار دهد. نویسنده در خلال مباحث خود به این نتیجه می‌رسد که میان سیستم‌های پیچیده و آشوبی در دوره کنونی و حوزه مطالعات راهبردی ارتباط زیادی وجود دارد و از این‌رو مهم‌ترین ویژگی‌های این سیستم، تکامل، گذار وپیوند آن با سیستم‌های چندقطبی، متکثر و هوشمند است. مریم صالحی‌فر (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «چرخه قدرت در سیستم‌های پیچیده و آشوب بر مدل دیپلماسی منطقه‌ای (مطالعه موردی: دیپلماسی منطقه ای در خاورمیانه)» به جدال‌های پارادایمی در عرصه روابط بین‌الملل می‌پردازد و بر این عقیده است که جدال میان پارادایم‌های خطی و غیرخطی نظم منطقه‌ای نوینی را پدید آورده‌اند که به طور مشخص به کاربرد روش‌های پیچیده و آشوب منجر گشته است. با توجه به همین مسأله، شکل گیری این سیستم‌ها منجر به تغییر در مبانی نظری بسیاری از نظریه-های منطقه‌ای و شاخصه‌های نوین قدرت شده است. بنابراین ج.ا. اسلامی ایران از یک جهت تحت تأثیر چنین شرایط پیچیده و نوینی گشته است که شاخصه های نوینی را برای دیپلماسی خود در عرصه سیاست خارجی تعریف می کند که می تواند شامل دیپلماسی هوشمند باشد. حمدالله اکوانی و ولی موسوی‌نژاد (۱۳۹۳)، در پژوهشی مشترک با عنوان «هویت اسلامی-ایرانی از دیدگاه نظریه آشوب و پیچیدگی» به بررسی هویت‌های مختلف جنسی، قومی، قبیله‌ای، مذهبی، ملی و زبانی در جامعه ایران پرداخته‌اند. بر همین اساس، نویسندگان با بهره گیری از نظریه آشوب و پیچیدگی به این نتیجه رسیدند که عناصر هویت ساز در جامعه کنونی ایرانی، نه به صورت هرمی که به صورت شبکه‌ای با یکدیگر رفتار می‌کنند. ویژگی‌های هویتی به صورت خودهمانندی در همه بخش‌های آن تکرار می‌شوند و به خودترمیمی می‌پردازند. همچنین ویژگی پیچیده بودن از جهت دیگر باعث حساسیت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

به نادیده گرفتن پدیده‌ها وحوادث کوچک می‌شود. حسین حسینی (۱۳۹۶)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی انتقادی بر نظریه های آشوب و پیچیدگی» به نقد نظریه آشوب و پیچیدگی پرداخته است. بر اساس نتایج این پژوهش، نظریه آشوب، علم مطالعه سیستم‌های پیچیده، پویا، غیرخطی، دور از تعادل، توصیف، تبیین و توضیح رفتارهای سیستم‌های انطباقی پیچیده است. همچنین آشیانه‌ای بودن، ظهوریابندگی، بی تعادلی، خودسازماندهی، شبکه‌ای بودن، کل‌نگری، غیرخطی و پیش‌بینی‌ناپذیری بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه نظریه آشوب و پیچیدگی به شمار می‌روند که امروزه وارد عرصه تحلیل‌های سیاسی نیز شده‌اند. عباس علی‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، نیز در مقاله‌ای مشترک با عنوان «عوامل درونی و بیرونیِ موثر بر گسترش جریان‌های تکفیری در جنوب غرب آسیا» به اَشکال جدید قدرت‌های نوظهور در فرایند تحولات پیش‌بینی ناپذیر از جمله پیدایش گروه‌های تروریستی در منطقه جنوب غرب آسیا توجه نشان دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که تأثیرپذیری منطقه خلیج فارس از سه سطح منطقه‌ای، درون کشوری و فرامنطقه‌ای به این گروه‌ها کمک می‌نماید تا خود را در شرایط پیچیده منطقه گسترش دهند.

۲. چارچوب نظری تحقیق؛ نظریه آشوب

آغاز تئوری آشوب را به فعالیت‌های پدر این تئوری یعنی ادوارد لدورنز در ۱۹۶۰ به بعد بررسی کرد. لورنز اولین کسی بود که آنچه را که امروزه به عنوان رفتار پر هرج و مرج در مدل‌سازی ریاضی سیستم‌های هواشناسی نامیده می‌شود، تشخیص داد. در اوایل دهه ۱۹۶۰، لورنز متوجه شد که اختلافات کوچك در یك سیستم پویا مانند جو -یا الگویی از جو- می‌تواند نتایج وسیع و غالباً غیرمترقبه‌ای را به دنبال داشته باشد. این مشاهدات سرانجام باعث شد او آنچه را که به عنوان اثر پروانه‌ای شناخته می‌شود -فرمول‌بندی کند- از اصطلاحات دانشگاهی که در سال ۱۹۷۲ با عنوان "پیش‌بینی پذیری ارائه داد: آیا بال زدن یك پروانه در برزیل یك گردباد در تگزاس را ایجاد می‌کند؟". بینش‌های اولیه لورنز شروع یک زمینه جدید تحصیلی را نشان می داد که نه تنها در زمینه ریاضیات، بلکه در هر شاخه‌ای از علوم -بیولوژیکی، جسمی و اجتماعی- تأثیر داشت. براساس این رویکرد، بی‌نظمی و آشوب به معنای سازمان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

نیافتگی، و در هم ریختگی نیست. بی‌نظمی در این رویکرد به معنای وجود جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی در پدیده‌های پویاست که ویژگی‌های خاص خود را دارند. بی‌نظمی در واقع، نوعی نظم غایی و نظم در بی نظمی است (الوانی، ۱۳۷۴: ۳۱). با توجه به رویکرد جامع‌نگر نظریه آشوب، رفتار آشوبناک حتی در سیستم‌های معین(deterministic) هم دیده می‌شود؛ یعنی سیستم‌هایی که درگیر هیچ پارامتر یا ورودی تصادفی نیستند.

آشوب (Chaos) در لغت به معني درهم ريختگي، آشفتگي و بي‌نظمي است و مترادف آن در مكانيك Turbulance يا تلاطم مي باشد. اين واژه به معني فقدان هرگونه ساختار يا نظم است و معمولاً در محاورات روزمره آشوب و آشفتگي نشانه بي نظمي و سازمان نيافتگي به نظر آورده مي شود (اکوانی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۲). و جنبه منفي در بردارد. اما در واقع با پيدايش نگرش جديد و روشن شدن ابعاد علمي و نظري آن امروزه ديگر بي نظمي و آشوب به مفهوم سازمان نيافتگي، ناكارائي، و درهم ريختگي تلقي نمي‌شود، بلكه بي‌نظمي وجود جنبه‌هاي غيرقابل پيش بيني و اتفاقي در پديده‌های پویاست که ويژگي خاص خود را داراست. بي‌نظمي نوعي نظم غائي در بي‌نظمي است.

نظریه آشوب در عرصه‌های مختلف از جمله هواشناسی، جغرافیا، مدیریت، سیاست و روانشناسی دارای ریشه‌ها و پایه‌های خاص خود است. به طور مثال، نظریه آشوب در ریاضیات نیز نقطه آغاز داشته است. در ریاضیات نظریه آشوب به بررسی رفتار سیستم‌های خاصی می‌پردازد که حساسیت زیادی نسبت به شرط اولیه خود دارند. نتیجه این حساسیت نسبت به شرط اولیه می‌تواند منجر به بروز رفتارهای بسیار پیچیده و تصادفی و غیر قابل پیش‌بینی شود. در این رویکرد، فرایند آشوبی، محصول یک سیستم غیرخطی پویا است. چنین سیستم‌هایی در طبیعت و همچنین در رفتارهای انسانی قابل مشاهده هستند. به طوری که می‌توان گفت، ضربان قلب، حرکات پاندولی ساعت، نوسانات اقتصادی همه به نوعی رفتار غیرخطی پویا را به نمایش می‌گذارند. بنابراین برای پی بردن به ابعاد این نظریه باید سیستم‌های غیرخطی پویا را مورد بررسی قرار داد (مشیری، ۱۳۸۱: ۳۱).

بحران، حوادث شگفتی‌ساز، تغییرات ناگهانی و سریع، ابهامات و خارج شدن همه چیز از کنترل در جهان ما ویژگی سیستم‌های پیچیده است. سیستم‌های انسانی و رخدادهای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

اجتماعی، سیاسی، همچون سیستم‌های پویا و غیرخطی، سازواره‌ها و تشکیلات بغرنج، نوعی سیستم‌های دارای اوصاف حیاتی می‌باشند که خصلت پیچیده بودگی را دارا هستند. به عنوان مثال می‌توان گفت رویدادهای غافل‌گیر کننده سیاست در ایران در طی سال‌های پس از انقلاب می‌تواند یادآور اینگونه سیستم‌های پیچیده باشد (موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴۶). با این حال نکته مهم در نظریه آشوب این است که به دنبال امکان ارائه راه‌حل و یا امکان پیش‌بینی در دل این بی‌نظمی‌ها و بهم ریختگی‌هاست. به عبارتی دیگر، نظریه آشوب به بررسی امکان نظم در دل بی‌نظمی پردازد. به نظر می‌رسد این بی‌نظمی در سیاست نیز به دلیل تضاد آراء بازیگران سیاسی در عرصه داخلی و بین المللی بسیار باشد و نظریه آشوب می‌تواند در حل و فصل این بحران و ستیزه‌ها یاری‌گر باشد.

در نظریه آشوب فرض بر این است که در سیستم‌های مختلف، نظم و بی‌نظمی مکمل همدیگرند (Palacio, 2001: 70). روزنا یکی از کسانی است که در عرصه سیاست به این مساله پرداخته و این نظر را ارائه داده است که تلقی‌های تاریخی و پیشینی سیاست امروزه با رشد تکنولوژیک و درهم تنیده شدن جهان، در عرصه سیاسیت و بازی در رابط بین‌الملل راهگشا نباشد. درواقع پیچیدگی روابط شهروندی و سیاسی موجب شده که نظم پیشین فرو ریزد و تکیه بر اصول پیشینی، بی‌نظمی‌های بیشتری را بیانجامد. اما این بی نظمی به فرصتی برای حل مسائل پیچیدگی بینجامد. از دید روزنا، در نظر گرفتن توامان ساختارهای دو گونه و شهروندانی برخوردار از مهارت‌های تقویت شده به همراه تاثیر فناوری‌های نو که موجب هرچه وابسته‌تر شده جهان می‌شود، دگردیسی عمیقی در سیاست‌های جهانی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که درس‌های تاریخی سودمند و کارگشا نیستند. در چنین شرایطی قواعد و پارادیم‌های موجود منسوخ و کهنه به نظر می‌رسند و ناظران نیز برخلاف معمول نمی‌توانند رویدادهای مغایر را صرفا نوعی ناهنجاری بنامند چرا که ناهنجاری ها فراگیرتر و شایع‌تر از الگوهای تکرار شونده شده و گسست‌ها از تداوم‌ها برجسته‌ترند. بنابراین نیاز به نظریه پردازی از نو احساس می‌شود.

او معتقد است که با توجه به سیر شتابان و گسترده تغییرات نمی‌توان و نباید از مفهوم سیاست بین‌الملل استفاده کرد، چرا که در روندی آشکار، تعاملات قوام بخش سیاست جهان که بدون مداخله مستقیم ملت‌ها و دولت‌ها رخ می‌دهند بسیار افزایش یافته‌اند. پس ضرورت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

دارد از اصطلاح جدیدی استفاده کنیم که هم وجود ساختارهای تازه را مشخص سازد و هم جا را برای تحولات ساختاری بیشتر باز گذارد و این اصطلاح مناسب "سیاست پسا بین‌المللی" است. سرچشمه‌های دگرگونی در سیاست جهانی از پنج عامل یاد می‌کند که عبارتند از: گذار از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی که حول پویش‌های فناوری به ویژه فناوری‌های مرتبط با انقلاب میکرو الکترونیک می‌گردد و به کوتاه‌تر شدن فواصل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و البته تسریع در جابجایی اندیشه‌ها، اطلاعات و پول و در نتیجه وابستگی متقابل مردم و رویدادها منجر می‌شود. پیدایش مسائلی چون آلودگی جو، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، بحران‌های ارزی و ایدز که محصول مستقیم فناوری‌های نو یا وابستگی متقابل شدیدتر جهان هستند. کاهش توانایی دولت‌ها در در ارائه راه‌حل‌های رضایت بخش برای مسائل عمده. افزایش انسجام و برندگی خرده نظام‌ها و ترویج گرایش‌های مرکز گریز. بازخورد پیامدهای همه عوامل مورد اشاره بر مهارت‌ها و سمت‌گیری‌های افراد بالغ در جهان (روزنا، ۱۳۸۴: ۹۳). از این‌رو که لورنز با اشاره به اثر پروانه ای معتقد است که بال زدن یک پروانه در برزیل می‌تواند یک بلوا و آشوبی را در پکن ایجاد کند. با در نظر گرفتن کاربرد نظریه آشوب در سایر علوم، عرصه علوم سیاسی نیز از این تأثیر پذیری بی نصیب نمانده است. به طوری که دیدگاه های جدید در عرصه علوم سیاسی و مخصوصاً روابط بین الملل از نظریه آشوب به عنوان چارچوبی برای تحلیل روابط دولت ها در عرصه نظام بین الملل بهره می برند. پژوهش حاضر درصدد است تا با بهره گیری از چارچوب نظریه آشوب، رویکردی جدید برای فهم پیچیدگی سیاسی در منطقه خاورمیانه و سپس ارائه راه حلی برای ارتقاء بازیگران سیاسی در این منطقه را فراهم آورد.

۳. سیاست خارجی و تعاریف آن

مقولهٔ سیاست خارجی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین مقولات در میان تمامی شاخه‌های علوم اجتماعی است که ده‌ها و حتی صدها عامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی و تکنیکی در داخل واحدهای سیاسی در سطوح مختلف نظام بین‌الملل در آن دخالت مجرد و یا متقابل دارند (سریع‌القلم، ۱۳۷۲، ۲۰۶). سیاست خارجی یکی از بخش های مهم تعامل دولت ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین الملل محسوب می شود که زمینه های همکاری،

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

همگرایی و یا حتی تقابل دولت‌ها را شکل می دهد. در این رویکرد، سیاست خارجی به عنوان سیاست دولت در برخورد با دیگر کشورها معنا پیدا می‌کند که در زمینه‌های مربوط به تجارت یا دفاع و یا سایر امور مربوط به رفتارهای دولت‌ها در نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد. دانشنامه بریتانیکا در زمینه تعریف سیاست خارجی می‌نویسد: «سیاست خارجی، اهداف عمومی است که فعالیت ها و روابط یک دولت را در تعامل با دیگر دولت ها هدایت می کند. توسعه سیاست خارجی تحت تأثیر ملاحظات داخلی، سیاست ها یا رفتار کشورهای دیگر قرار می گیرد. سیاست خارجی برنامه هایی برای پیشبرد طرح های ژئوپلیتیک خاص دارد. دیپلماسی ابزار سیاست خارجی است و ما نمود ان را می توانیم در دیگر موضوعاتی نظیر جنگ، اتحادها و تجارت بین الملل نیز ببینیم» (Britannica,2017) ،

سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اَعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. سیاست خارجی شامل تعین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه‌های بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌شود. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد (مقتدر،۱۳۵۸، ۱۳۱-۱۳۲). با در نظر گرفتن تعامل دولت ها در عرصه نظام بین الملل، واکنش های بازیگران نسبت به یکدیگر و رفتارهای عینی که از آنان سر می زند، به عنوان محور عمل سیاست خارجی در نظر گرفته می شود. به عبارتی، جهتی را که یک دولت بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی، سیاست خارجی می‌گویند (خوشوقت، ۱۳۷۵، ۱۴۵).

بر این اساس، سیاست خارجی به معنای دنبال کردن هدف های کشور در محیط بین‌المللی و در رابطه با جامعه-ها، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. سیاست خارجی، راهنمای موضع‌گیری در جهان است و مجموعه‌ای از اهداف بین‌المللی و راه‌های رسیدن به آنها را شامل می‌شود. سیاست خارجی کشورهای مختلف با هم متفاوت است. سیاست خارجی یک کشور نیز در طی زمان، تغییر می‌کند (آشوری،۱۳۵۴، ۲۵). با در نظر گرفتن این موضوع که سیاست خارجی به دنبال اهداف خاصی پیش می رود، نگرش دولت ها و رفتار آنان در سیاست خارجی

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

با یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال، ممکن است دو دولت در همسایگی با یکدیگر قرار داشته باشند، اما از دو نوع سیاست خارجی متفاوت استفاده نمایند. به علاوه اینکه در سیاست خارجی همواره تقابل و تعارض یک اصل اساسی است و نظام های سیاسی تلاش می کنند تا با در نظر گرفتن شرایط، محدودیت ها و مقدوریت های داخلی، منطقه ای و بین المللی نسبت به دستیابی به اهداف خویش در عرصه سیاست خارجی اقدام نمایند.

دولت ها به عنوان کنشگران اصلی نظام بین المللی با پشتوانه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی خاص خود پیگیر اهداف ملت متبوع خود و یا حتی نخبگان سیاسی مسلط بر هر کشور هستند. علاوه بر این، عرصه عمل بازیگران نیز تابع قوانین بین المللی است که بسته به توانایی متفاوت بازیگران، عرصه عمل خاصی را برای آنان پدید می آورد. به همین دلیل می توان گفت که سیاست خارجی یک کشور نه تنها از عوامل خارجی که از محیط داخلی نیز اثر می‌پذیرد. آنچه بیش از هر چیز سیاست‌خارجی یک کشور را تعیین می‌کند مفهومی است که به "منافع ملّی" معروف شده است. اهمیّت منافع ملّی در تعیین سیاست‌خارجی به اندازه‌ای است که می‌توان آن را محور سیاست خارجی دانست (عامری،۱۳۸۷، ۴). به طور کلی یکی از اهداف ظهور و شکل گیری سیاست خارجی در هر کشور، توسعه نفوذ آن کشور و تأمین بیشتر منافع ملی است. به عبارت دیگر شکل گیری فضاهای وسیع‌تر در جغرافیای سیاسی جهان برای حضور مرئی یا نامرئی آن کشور و تأمین هر چه بیشتر منافع به منزله حوزه نفوذ آن کشور تعریف می‌گردد تا بتواند ارزش‌های مورد نظر خود را ترویج دهد. بنابراین محدوده حوزه نفوذ؛ به منزله امکان نقش آفرینی یک کشور در خارج از مرزهایش قلمداد گردیده و گسترش آن با تداوم و نگرش‌های مثبت گروه‌ها، جوامع و شهروندان دیگر کشورها نسبت به عملکرد آن کشور اتفاق می‌افتد (کسینجر، ۱۳۸۳، ۵۶۹).

بسیاری از مردم و حتی برخی از متفکران، دیپلماسی را همان سیاست خارجی می‌دانند و این دو واژه را مترادف یکدیگر به کار می‌برند. ولی واقعیت این است که این دو معانی کاملاً متفاوتی دارند. در واقع، دیپلماسی از جمله ابزارهای سیاست خارجی است در حالی که سیاست خارجی در برگیرنده اهداف است. بر اساس تعریف فرهنگ لغتی دیپلماسی را «هنر و عمل انجام مذاکرات بین» و «مهارت در اداره امور بدون تحریک خصومت» می‌دانند. در دوران باستان، دیپلماسی میانجیگری یا مدیریت یک نهاد یا روابط فردی با دیگری (گاهی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

اوقات به عنوان "دشمن" شناخته می‌شود) محسوب می‌شد. با این حال تنها با توسعه نظام مدرن دولتی از قرن شانزدهم بود که دیپلماسی بر معانی معاصر فعلی خود یعنی مدیریت امور خارجی دولت‌ها در سطح حکومتی محدود شد (Saunders, 1990,56). با این حال، «دیپلماتیک بودن»، مدتهاست مهارتهای تطبیق و مذاکره را نیز در بر دارد. دیپلماسی همیشه مفهوم ارتباط را نیز شامل شده است. در دهه‌های اخیر، دیپلماسی به تقویت و حل و فصل اختلافات و مجموعه‌ای از فعالیت‌های مدیریتی متمرکز شده است که در جهت توسعه اقتصادی و توسعه کشور مانند کمک‌های اقتصادی و فعالیت‌های صلح‌آمیز حرکت می‌کند (Stempel, 1995, 11). با این حال، در کنار دیپلماسی ابزارهای دیگری از جمله توسل به زور، جنگ، حمایت از گروه‌های شبه دولتی و همسو با منافع بازیگران و حتی سازمان‌های منطقه‌ای و بین المللی وجود دارند که بر اهداف سیاست خارجی و راه‌های دستیابی به آنان تأثیر می‌گذارند.

٤. خاورمیانه و مختصات آن

اصطلاح خاورمیانه را اروپائیان وارد محافل علمی و سیاسی کرده‌اند. به این دلیل که اروپاییان، مناطق مختلف جهان را براساس دوری و نزدیکی با اروپا در نظر می‌گرفتند. بدین معنا که از نظر آنان، اروپا مرکز جهان است و سایر نقاط جهان نیز برحسب ارتباط با این منطقه نامگذاری می‌شوند. به همین دلیل، اصطلاح خاور نزدیک، خاورمیانه و خاور دور معمول شده است (Relvin, 1965: 5). به‌طور مشخص، خاورمیانه منطقه‌ای در غرب آسیا و شمال افریقا است که گفته می‌شود برای اولین بار توسط آلفرد ماهان، مورخ و دریانورد امریکا مطرح شده است. همین نگاه خاص او که از اروپا به این منطقه می‌نگریست باعث باب شدن چنین اصطلاحی از سوی وی شده است که تا امروز نیز به همین نام شناخته می‌شود.

در ابتدا، خاورمیانه از دیرباز به عنوان منطقه‌ای با گرایش‌های مذهبی، قومی، ملی و قبیله‌ای معرفی شده است که در کنار قدرت‌های خارجی و بیگانه، بازیگران زیادی را در خود می‌بینند. این موضوع هرچند در نقاط مختلف جهان دیده می‌شود، اما نقش و جایگاه این مسائل در منطقه مزبور قابل توجه است. علاوه بر این، بازیگران متداخل و متعاملی در منطقه خاورمیانه حضور دارند که به‌صورت رسمی و غیررسمی به همکاری‌های مشترک و حتی منطقه گرایی به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

عنوان راهی برای حراست از خود نگاه می کنند. بر این اساس که جهان قرن ۲۱، يك يا دوقطبي و حتي چندقطبي نيست، بلكه شاهد بازيگران متعددي هستيم كه بعضي از آنها ابرقدرت هستند مانند (آمريكا)، برخي قدرت بزرگ هستند مانند (چين و روسيه)، برخي قدرت منطقه‌اي اند، مانند هند و ايران و بسياري ديگر قدرت ضعيف هستند، مانند نپال و لائوس. بر اساس انديشه و مدل بوزان، هر كدام از خوشه‌ها يا مجموعه‌هاي منطقه‌اي، خود يك يا دو قطب هستند. به‌عنوان مثال، در جنوب آفريقا شاهد سيستم تک‌قطبی هستيم، در آسياي جنوبي شرقی دو قطب برتر به چشم مي‌خورد و در خاورميانه، شاهد نظام چندقطبي هستيم. علاوه بر اين، ممكن است بعضي قدرت‌هاي بزرگ يا ضعيف منطقه‌اي با قدرت‌هاي برتر يا ابرقدرت‌ها ائتلاف كنند. در تحليل بوزان، همه گرايش‌هاي ائتلاف جويانه، ريشه منطقه‌اي دارند، يعني قدرت‌های منطقه‌اي صرفاً از بيم همسايگان خود به همگرايي و ائتلاف با قدرت‌هاي بزرگ فرامنطقه‌ای روی می‌آورند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

بازیگران متعددی در منطقه خاورمیانه حضور دارند که هر یک از آنان، برحسب گرایش سیاسی، عقیدتی و ایدئولوژیکی و همچنین بسته و یا باز بودن نظام سیاسی، رویکردهای متفاوتی را در منطقه دنبال می‌کنند. علاوه بر این، برخی گرایش‌های منطقه گرایی نیز دیده می‌شوند که بازیگران همسو در تلاش هستند تا منافع مشترک خود را در قالب همکاری دنبال نمایند. از این حیث، مهم‌ترین نماد منطقه‌گرایی در منطقه خاورمیانه، شورای همکاری خلیج‌فارس می‌باشد که شامل بازیگرانی همچون عربستان سعودی، امارات، کویت، بحرین و قطر، عمان است. همچنین اغلب این کشورها به صورت غیررسمی با بازیگران فرامنطقه‌ای و فروملی از جمله ایالات متحده، گروه‌های بنیادگرا و فرودولتی همکاری دارند. ضمن اینکه برخی دیگر از بازیگران نظیر جمهوری اسلامی ایران دارای حامیان قدرتمندی در بین گروه‌های جهادی است که از آنان با عنوان گروه‌های نیابتی نیز یاد می‌شود. بدین ترتیب، منطقه خاورمیانه سرشار از بازیگران دولتی و غیردولتی و همچنین بازیگران فرامنطقه ای است که به عنوان مصداق یک منطقه پیچیده شناخته می‌شود.

۴-۱. خاورمیانه و پیچیدگی رفتار بازیگران سیاسی

منطقه خاورمیانه از جهت حضور بازیگران مؤثر و رقیب، منطقه‌ای پیچیده و متکثر محسوب

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

می‌شود. عربستان سعودی، ایران، مصر، عراق و ترکیه به عنوان بازیگرانی مؤثر و قدرتمند شناخته می‌شوند. بنابراین خاورمیانه هم شاهد ظهور قدرت‌های متعددی است که تبار تاریخی و اعتبار جغرافیایی آن‌ها (مانند ایران و مصر) قابل انکار نیست. باری بوزان در این باره معتقد است: «روندهای آتی جهان بدین منوال است که قطب‌های منطقه‌ای قدرت، رفته‌رفته قوی‌تر خواهند شد. مناطق شرقی آسیا توسعه بیشتری خواهند یافت و خاورمیانه همچنان پرکشمکش خواهد ماند، چرا که تک قطبی شدن جهان سبب شد تا خاورمیانه بیشترین ضرر را متحمل شود» (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۳۵۸-۳۵۷). تکثر بازیگران منطقه‌ای و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای بر دامنه پیچیدگی خاورمیانه افزوده است. توضیح اینکه وضعیت آنارشیک وضعیتی مبهم است. چه اینکه دولت‌ها از میزان قدرت خود برای حفظ امنیت و قدرت خود اطلاع چندانی ندارند. به همین دلیل، کشورها هرچه بیشتر تلاش می‌کنند تا قدرت خود را افزایش دهند. دولت‌ها در یک رقابت سرسختی برای افزایش قدرت خود تلاش می‌کنند، زیرا نمی‌دانند با چه میزان قدرتی می‌توانند در برابر تهدیدهای ناشی از رقابت با دیگران دوام بیاورند. در این بین، ابزارهاي ارتباطي نيز در خدمت اين گروه‌هاي خاص گراي هويتي قرار مي‌گيرد كه از طريق آن، دامنة عمل خود را افزايش مي‌دهند و با جذب نيروهاي بيش‌تر به تقويت خود مي‌پردازند (بهمنش و جوکار، ۱۳۹۶: ۵۰).

والت نیز این مسأله را این گونه بیان می‌کند. از نظر والت هدف هر دولتی ارتقای هرچه بیشتر قدرت خود و افزایش مضاعف آن است، زیرا ناتوانی در رقابت باعث شکست کشورها در مقابل رقبا می‌شود. از جهت دیگر، دولت‌ها در یک وضعیت آنارشیک نمی‌دانند که چه میزانی از قدرت برای بقای آنها نیاز است (والت، ۱۹۷۹: ۴۸). به همین دلیل در وضع آنارشیک خاورمیانه، بازیگران متعدد و متنوع برای حفظ امنیت خود و همچنین یارگیری در عرصه‌های مختلف، به رویکردهای امنیتی و تسلیحاتی پناه می‌برند که خود عاملی برای مضاعف شدن آنارشی در این منطقه است. علاوه بر مسائل سیاسی داخلی، مسائل مرزی و اجتماعی نیز دیده می‌شوند که هرکدام به نوبه خود بر تحولات منطقه اثرگذار هستند. باری بوزان به خوبی این وضعیت پیچیده را تشریح می-کند: «موضوعات دیگری نیز در عرصه‌های محیط زیستی (همچون حقوق آب، به ویژه در شامات و بین‌النهرین) و اجتماعی (شماری از موضوع‌های

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

هویتی، مذهبی و قومی که بر اقلیت‌ها، آوارگان و کارگران تأثیرگذار بوده) در خاورمیانه وجود دارند» (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۶۹-۶۶۸). از جهت وجود قدرت های مذهبی و بازیگران سیاسی-مذهبی نیز رشد قابل ملاحظه ای در دوره معاصر داشته اند که حاکی از تأثیرگذاری مذهب بر پیچیدگی سیاسی در خاورمیانه است. دکمجیان در تشریح این وضعیت چنین بیان می‌کند: «ثروت‌ها و ولخرجی آشکار به ظهور بنیادگرایی به شکل سنی و شیعه آن کمک کرده است. علی‌رغم وفور [منابع] در خلیج‌فارس، تنش قابل ملاحظه-ای در اثر تلاقی فشارهای داخلی و خارجی در این ناحیه وجود دارد. اختلاف بسیار در ثروت، همراه عدم توازن جمعیتی و نوسازی سریع ناگهانی، شرایط بالقوه بی‌ثبات کننده‌ای در منطقه به وجود آورده است» (دکمجیان، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۸۱). همین عوامل روی هم‌رفته باعث شده تا جست‌وجوی امنیت و تلاش برای دستیابی به میزانی از ثبات و امنیت دغدغهٔ اصلی سیاستمدارن کشورهای خاورمیانه باشد که غالباً در قالب نهادسازی منطقه ای، وجود گروه‌های تروریستی و همچنین آشوب‌های داخلی در نقاط مختلف منطقه متجلی می‌شود. ضمن اینکه در راستای پیکارهای منطقه ای نیز، بازیگران بزرگ نیز درصدد همسو کردن سایر بازیگران با سیاست‌های منطقه‌ای خود هستند. در سوی مقابل، برخی تقابل‌های ایدئولوژیکی و سیاسی در منطقه دیده می‌شوند که حاکی از شرایط پیچیده منطقه و نزاع بازیگران مختلف است. به‌عنوان مثال، مسأله یمن نیز از عمق تنش میان دو قدرت منطقه‌ای یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی حکایت می‌کند (Cordesman, 2015: 205). که خود به عنوان بازیگران بزرگ و مؤثر در منطقه به شمار می‌روند. در مجموع باید گفت که خاورمیانه در شرایط پیچیده امنیتی قرار دارد و هر یک از بازیگران تلاش می‌کنند متناسب با منافع ملی خود، رفتارهای خاص خود را انجام دهد و به گونه‌ای خاص رفتار نمایند (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

۵. کاربست نظریه آشوب در سیاست خارجی خاورمیانه

۵-۱. بهره‌مندی از عقلانیت سیستمی در سیاست خارجی

یکی از مهم‌ترین مبانی فکری در علم پیچیدگی و نظریه آشوب، آن است که نظم از درون آشوب پدیدار می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۰۰۹). به نظر می رسد به کارگیری این رویه در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق پیچیده جهان می تواند کارآیی داشته باشد. بر همین اساس باید گفت که در خاورمیانه جهت رسیدن به نظم در بی نظمی (پیدا کردن راه‌حل در پیچیدگی) به کارگیری عقلانیت و پیگیری رفتار عقلانی نیز حائز اهمیت است. از این حیث، عامل مهم دیگری که در منطقه خاورمیانه دارای اثر است، ارزیابی عقلانی رفتار رقیب و بررسی میزان قدرت و تأثیرگذاری بازیگران به نسبت همتایان خود در منطقه است (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۱۰۹). در چنین وضعیتی، رقابت بازیگران به قدرت و توان ایدئولوژیکی آنان محدود نمی‌شود، بلکه پیگیری منافع ملی برحسب گرایش-های عقلانی و رفتار خردمندانه اثر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری آنان در عرصه سیاست خارجی دارد. ضمن اینکه، دنبال کردن آرمان‌ها و هویت در فضای آشوب خاورمیانه به معنای از دست دادن هویت‌ها و تن دادن به ضرورت‌ها و اَعمال سیاسی نیست، بلکه نوعی تعامل دو سویه و همزمان میان کنش‌های شکل گرفته در منطقه است. به عبارتی دیگر، در منطقه خاورمیانه و در فضای تعامل میان کشوری، مجموعه‌ای از نهادهای سیاست خارجی در پی تحقق اهداف متنوعی در سیاست خارجی هستند (احمدی خوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶). این مسأله نشان دهنده وجود شرایطی برای ارتقاء بازیگران در سیاست خارجی است که علیرغم وجود محدودیت-های سیستمی، فرصت‌های متعددی نیز پیش‌روی خود می‌بینند.

مهم‌ترین محدودیت پدید آمده، برگرفته از برداشت‌های متفاوت و متعارض مذهبی است که غالباً بر روابط بازیگران سیاسی خاورمیانه اثرگذار می‌شود. به عبارتی دیگر، رقابت و شکاف در منطقه خاورمیانه، رقابت مذهبی ناشی از دو رویکرد «سنی» و «شیعی» در منطقه خاورمیانه است که طیف متعددی از اسلام‌گرایان معتدل و افراطی را در برگرفته است. با این حال، نبردهای آشکار نظامی در دو طرف این گرایش‌ها دیده می‌شود و غالباً بر سایر تحولات پیچیده خاورمیانه مؤثر واقع می‌شوند. بنابراین عامل مذهب به عنوان یک متغیر مؤثر در واگرایی و همگرایی قدرت‌های حاضر در منطقه ایفای نقش می‌کند که در صورت اجماع حداقلی بر سر آن می توان شاهد همگرایی میان بازیگران در خاورمیانه باشیم. در این میان، هر قدر میزان ارتباط اعضا، درک آنها از مشکلات و نیازهای یکدیگر بیشتر باشد و منافع جمعی را فدای آنچه ممکن است منافع تنگ نظرانه ملی خوانده شود نکنند، امکان موفقیت همگرایی بیشتر

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

است (جوادی ارجمند و احمدی، ۱۳۹۱: ۸۶۹). این مسأله به وضوح در مجموعه آشوب‌زده خاورمیانه قابل مشاهده است. به طوری‌که می‌توان گفت مجموعه‌ای از دوستی و دشمنی میان کشورهای منطقه وجود دارد که هرکدام به دنبال برتری بر دیگری هستند.

اولین راه حل درک سیستمی از شرایط خاورمیانه است. بر این اساس، رویکرد سیستمی و متداخل که به عنوان بخش مهمی از نظریه آشوب به شمار می‌رود چنین به ما می‌گوید که یکی از راهکارهای اساسی که در منطقه آشوب زده خاورمیانه می‌تواند دنبال شود، سیاست خارجی دوگانه‌ای است که با حفظ ضرورت‌ها و مقتضیات، هم می‌تواند هویت‌های پیچیده در منطقه را در نظر بگیرد و هم اینکه ضرورت‌های واقع‌گرایانه منطقه را مطمح نظر قرار دهد. چنان چه با درک سیستمی از خاورمیانه، سیاست خارجی در این منطقه، می‌تواند نقطه اتصال آرمان‌گرایی هویت محور با ضرورت‌های مصالحه‌گرایانه در شرایط بحرانی حاصل گردد (احمدی خوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸). رویکرد سیستمی که با درک واقعیت‌ها و آرمان‌ها شکل می‌گیرد، مبتنی بر درک شبکه‌ای از رفتارهای بازیگران در نظم آشوبی خاورمیانه است که با تأکید بر هنجارهای مشترک میان بازیگران می‌تواند اجماعی ایدئولوژیک میان آنان پدید آورد. از این حیث، توان همکاری و همگرایی از سوی قدرت‌های حاضر در منطقه به وضوح حاکی از شبکه‌سازی چندپیکری در منطقه است. بدین معنا که ایجاد هم افزایی از راه برقراری فرایند بازخورانی میان پیکرهای شبکه یا خوشه‌های آن انجام می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۰۱۹). علاوه بر این، رویکرد سیستمی مستلزم توجه به جوانب مختلف تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی در منطقه خاورمیانه است. سیستمی بودن در این رویکرد، کنش‌های سیستمی است که در آن، واحدهای سیستم برای گذار و دستیابی به موقعیت، منزلت و نقش جدیدی برای خود تعریف می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۷۰). در هر صورت آنچه به عنوان پیش شرط ارتقا در نظم آشوب‌زده و سیستمی به شمار می‌رود، توجه به مسأله «مدیریت گذار» و توجه به جوانب مختلف منطقه‌ای و جهانی در سهولت دستیابی به منافع ملی است. از این‌رو، مدیریت گذار، گونه‌ای از الگوی کنترل است که هدف آن باز گشودن دشواری‌ها و مشکلاتی است که در چنین دورانی، سیستم و واحدهای تابعه آن، با آن روبرو می‌شوند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۷۹). بنابراین وجود الگوی چند بازیگری در منطقه خاورمیانه نشانگر رویکرد سیستمی حاکم بر تحولات منطقه است

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

که براساس آن، بازیگران سیاسی برای ارتقاء و افزایش توانایی خویش نیازمند درک سیستمی و همه‌جانبه هستند. ضمن اینکه پیدا کردن راه‌حل برای حل منازعات و چالش‌ها به عنوان بخش مهمی از این تحول در نظر گرفته می‌شود.

۵-۲. توانایی هم‌افزایی و همکاری در عرصه‌های سیاسی

یکی دیگر از خصوصیات مناطق پیچیده و آشوبی نظیر خاورمیانه آن است که بر یک نوع مدل وابستگی حساس استوار است (Ruelle, ۱۹۷۹: ۴۱۶). بنابراین هرگونه تغییرات و دخالت‌های کوچک در این منطقه می‌تواند به تغییرات و رخدادهای عظیم و ناگوار منتهی گردد. به همین دلیل آنچه مورد توجه است اینکه همگرایی کشورهای عضو منطقه خلیج‌فارس برای مقابله با قدرت های فرامنطقه‌ای بخش مهمی از فرایند ایجاد آرامش در سیستم پیچیده خاورمیانه است. دلیل اتخاذ این رویکرد در سیاست خارجی کشورهای منطقه خلیج فارس این است که بتواند بی ثباتی و فشارهای سیستمی را کنترل کنند. به علاوه اینکه تعامل با سیستم پیچیده بین‌المللی نیازمند در نظر گرفتن تعادل در سیستم خاورمیانه و ثبات راهبردی میان مؤلفه‌های مشترک کشورهای منطقه است. تعامل میان کشورهای مختلف خاورمیانه از راه سیاست خارجی نیازمند گذر از نوعی بی ثباتی به رویکردی پایدار میان کشورها می‌باشد. هنگامی که کشورهای حاضر در تحولات خاورمیانه فشارهای ناشی از تحولات جهانی را از طریق نفی "الحاق‌گرایی " دنبال کنند، زمینه‌های لازم برای حرکت به سوی نظم و ثبات از درون بی‌ثباتی و آشوب سیستمی فراهم می‌شود. زیرا در این نظریه آشوب فرض بر این است که سیستم از وضعیت پراکندگی و شاخه‌ای شدن نظم، به سمت آشوب حرکت می‌کند. پس از آن بر پایه آمیختگی و هم پیوندی، سیستم دوباره به سمت نظم حرکت می‌نماید و در اولین فرصت تمرکز شکل می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۰۲۰).

هم افزایی یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی نظریه آشوب است که بر پیوند امور جزئی و کلی تأکید می‌کنند. به تعبیری دیگر، ایجاد هم افزایی از راه برقراری فرایند بازخورانی میان پیکرهای شبکه یا پیوندهای خوشه ای آن ایجاد می شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۰۱۹). با در نظر گرفتن تعارضات موجود در خاورمیانه می توان نقاط مشترکی را نیز پیدا کرد که در وهله اول باعث حراست از حیات کلی سیستم که شامل کشورهای منطقه خاورمیانه می-شود. بدین ترتیب،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

یکی دیگر از راهکارهای ارتقاء در نظم آشوبی و پیچیده خاورمیانه از طریق سیاست خارجی کشورهای مختلف، درک مشترک از تهدیدات مشترک است. به عبارتی دیگر در سیستم‌های پیچیده هنگامی که تلاشی برای اجماع مثبت دیده نمی شود، درک تهدیدات مشترک و مقابله با آنان، بخش مهمی از رویکرد اجماع ساز در نظر گرفته می شود. مهم ترین تهدید موجود در خاورمیانه که می تواند درکی مشترک از تهدیدات میان کشورهای حاضر در منطقه پدید آورد، تروریسم و مصادیق آن از جمله داعش است که تهدیدی برای همه کشورها محسوب می شود. تهدیدات تروریستی جدید نیز از نوع شبکه ای و فراتر از مرزهای سرزمینی هستند و از این جهت نیازمند تصمیمات شبکه ای برای مقابله با آنان نیز احساس می شود. امروزه در خاورمیانه، گروه‌های تروریستی به دلیل عدم تمرکز در یک نقطه مشترک و گسترده شدن در سراسر نقاط جهان، خاصیت شبکه‌ای به خود گرفته‌اند و این مسأله به آنان کمک می‌کند تا از سرکوب ها در امان بمانند و دوم اینکه ترس و وحشت موردنظر خود را در نقاط مختلف جهان پراکنده سازند. به همین دلیل از این بازیگران جدید می توان با عنوان "بازیگران شبکه ای" یاد کرد (نکته‌دان و سیفی آتشگاه، ۱۳۸۶: ۴۳). بنابراین راه دیگری که می توان برای ارتقاء در نظم پیچیده و آشوبی پیدا نمود، درک تهدیدات مشترک و رویکرد شبکه ای به این تهدیدات از جمله مقوله تروریسم شبکه ای و فراسرزمینی در خاورمیانه است.

۵-۳. مدیریت تعارضات ایدئولوژیکی

تعارضات ایدئولوژیکی در منطقه خاورمیانه متعدد هستند، اما مصداق بارز آن تضاد و اختلافی است که میان ایدئولوژی شیعی و سنی دیده می‌شود. به‌طور مشخص جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس در این زمینه برجسته هستند. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن تعارضات و اختلافاتی که میان جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های منطقه خاورمیانه مشاهده می‌شود، برخی زمینه‌های مشترک همکاری نیز وجود دارد که به معنای وجود شرایطی برای اداره مسائل منطقه در یک وضعیت آشوبی و پیچیده است. با این حال، هرچند روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله عضو شورای همکاری خلیج فارس همواره رابطه‌ای تنش‌زا و حساس بوده است، اما مسائل و مشکلات منطقه‌ای مشترک میان دو طرف باعث شده تا در پاره‌ای از مواقع شاهد همکاری

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

میان آنان باشیم. به طور مثال، تنها در برخی مواقع مواضع مشترکی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دیده می‌شود؛ مثلاً دیدگاه‌های مشترک ایران و عربستان سعودی درباره تعیین مشخص قیمت نفت که معمولاً رخ می‌دهد (Altoraifi, 2012: 153). این رویکرد در برهه‌هایی از زمان مخصوصاً با پایان جنگ میان عراق و ایران باعث کمتر شدن تنش‌ها شده بود و حتی سفر وزیر کشور عربستان به تهران در فروردین ماه ۱۳۸۰، سرفصل جدیدی از روابط میان دو کشور ایران و عربستان گشود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۶۱). این رویکرد نیز به نوبه خود بر روابط ایران و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس تأثیرگذار بود و توسعه روابط میان ایران و قطر و عمان باعث تعدیل دیدگاه‌ها میان دو طرف می‌شد. با این حال چنین رویه‌هایی هرگز مسائل بنیادین میان دو طرف را حل نکرد. به هر حال با در نظر گرفتن تهدیدات سیستماتیکی که از بیرون منطقه نیز ناشی می‌شود، و با درک این تهدیدات می‌توان به نوعی مدیریت تعارضات ایدئولوژیکی و نه حذف آنان اقدام نمود.

در این زمینه، رفع تهدیدات صوری و ساختگی و تکیه بر گفتمان مشترک درون سیستمی می تواند بخش مهمی از تعارضات سیاست خارجی کشورهای منطقه خاورمیانه را به حداقل برساند. به عنوان مثال یکی از تهدیدات ذهنی و ساخته شده توسط قدرت‌های جهانی و برخی حکام کشورهای منطقه خلیج فارس، تلقی تهدید بودن انقلاب اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران از منظر برخی کشورهای منطقه خاورمیانه، یک مشکل و خطر منطقه‌ای محسوب می‌شود. چنان چه اغلب متفکران بر این عقیده هستند که شورای همکاری خلیج فارس در واکنش به وقوع انقلاب اسلامی ایران در منطقه شکل گرفته است (Takagi, 2012: 3). بدین ترتیب باید گفت علاوه بر ساختار داخلی نظام سیاسی جمهوری اسلامی، آنچه باعث می‌شود تا این نظام در تقابل با کشورهای اسلامی منطقه قرار بگیرد، سیاست‌های منطقه‌ای منبعث از آموزه‌های انقلاب اسلامی است. چنان چه گفته می‌شود با شروع انقلاب اسلامی عملاً پروژه استعماری به انحطاط کشیدن مسلمانان که با امپراتوری عثمانی شروع شده بود به پایان رسید (محرمی، ۱۳۹۶: ۲۵). و این موضوع می‌توانست چالش گسترده‌ای برای کشورهای منطقه محسوب شود. به این دلیل که اغلب کشورهای مذکور، از توان جغرافیایی و نظامی قابل توجهی برخوردار نیستند و شکل‌گیری قدرت منطقه‌ای نظیر ایران را به ضرر خود تلقی

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

می‌کنند. به طور خاص، هرچند اختلافات ایران و کشورهای عربی منطقه محدود به دوران پس از انقلاب اسلامی نمی‌باشد، اما دامنه و عمق اختلافات پس از انقلاب اسلامی افزون‌تر شده است. بدین ترتیب اتحاد و ائتلافی در منطقه ظهور می‌نماید که به سمت ایران هدف‌گیری شده است و با توجه به ناکارکردی سیستمی و ساختاری منطقه و حضور پایدار قدرت مداخله گر در آن می‌تواند پروراننده تهدیدات مختلفی علیه ایران باشد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۴۳۴). سیاست انقلابی که سازش با قدرت‌های بزرگ و مخصوصاً از نوع غربی را به شدت طرد می‌کند و به دنبال احیای اقتدار جوامع اسلامی است. پرواضح است شکل‌گیری رویکرد انقلابی و اشاعه آن در منطقه، مشروعیت سیاسی نظام‌های محافظه‌کار همسایه را به چالش بکشد. به علاوه، پیام انقلابی جمهوری اسلامی ایران که همه مسلمانان را به مبارزه با ظلم و جور و بی‌عدالتی فرا می‌خواند، چالشی آشکار برای نظام‌های سیاسی منطقه بوده است. به نظر می رسد خارج شدن از تهدیدات ذهنی و درک پیام انقلاب اسلامی به معنای مقابله با استکبار جهانی و عدم مداخله قدرت های بزرگ در امور داخلی منطقه خاورمیانه می تواند نقطه شروعی برای حل و مدیریت این تعارضات باشد. بر این اساس باز شدن گفت و گوی طرفین از طریق سیاست خارجی و متحد شدن برای مقابله با مداخلات خارجی می تواند آغازگر پروژه همکاری طرفین باشد.

علاوه بر تهدیدزدایی در سیستم پیچده خاورمیانه یکی دیگر از راه‌های ارتقاء در این فضا از طریق سیاست خارجی، درکی مسالمت‌آمیز از برنامه هسته‌ای کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران است. هرچند این درک به نوبه خود تحت تأثیر انگاره‌های پیشین از مسأله صدور انقلاب و تهدید بودن انقلاب اسلامی ایران نیز دارد، اما انتقال پیام مسالمت‌آمیز بودن این برنامه از طریق مذاکره و گفت‌وگو میان کشورهای منطقه بخش‌های مهمی از تعارضات سیستمی در خاورمیانه را به حاشیه می برد. مسأله هسته‌ای جمهوری‌اسلامی ایران یکی از مجادله انگیزترین بحث-های شکل‌گرفته میان این کشور و قدرت‌های غربی پس از انقلاب اسلامی بوده است. این موضوع از آن جهت مهم بوده که کشورهای منطقه بر این تصور هستند که شکل‌گیری یک دولت هسته‌ای با ایدئولوژی شیعی می‌تواند به تسلط کامل جمهوری اسلامی ایران بر آنان مسلط شود. از این منظر باید گفت در حال حاضر، مهم‌ترین مباحث میان دو طرف ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس، مسأله هسته ای، درگیری ها در عراق،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

تحولات سوریه، ظهور داعش در منطقه، و هچنین اعمال فشارهای امریکا بر علیه ایران هستند (Alajmi, 2014: 56). این موضوع در کنار حمایت ایران از کشورها و گروه های همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه باعث شد تا کشورهای منطقه از ایران به عنوان خطری واقعی یاد کنند. با این حال، بهره گیری ایران از دانش هسته ای و لزوم توجه کشورهای خاورمیانه به گزارش های آژانس بین المللی انرژی هسته ای و همچنین شفاف عمل کردن ایران در این تعهدات بخش دیگری از رفع تهدیدات ساختگی میان کشورهای مختلف در خاورمیانه است. این تعامل و مدیریت به معنای درک سیستمی و همه جانبه از تهدیدات و فرصت هاست که راهی برای ارتقای بازیگران سیاسی از طریق سیاست خارجی نیز پدید می آورد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

٦. نتیجه گیری

ارتقاء در نظم آشوبی و پیچیده نیازمند به کارگیری رهیافت سیستمی و متعامل میان بازیگران حاضر در صحنه تحولات سیاسی خاورمیانه است. بر این اساس، دو گونه از تهدیدات و فرصت ها پیش روی بازیگران دولتی دیده می شود که بیش از همه نیازمند درک این فرصت ها و تهدیدات برای گذار و مدیریت شرایط بحرانی است. بر این اساس در خاورمیانه نیز تهدیدات به صورت سیستماتیک و شبکه ای ظهور پیدا کرده‌اند که از جمله می توان به شبکه‌ای شدن تروریسم و مداخله شبکه‌ای بازیگران فرامنطقه‌ای اشاره نمود. بنابراین درک این شرایط و تصمیم‌سازی در عرصه سیاست خارجی بر مبنای این تهدیدات گام آغازین برای ورود به یک نظم نوین مبتنی بر شبکه‌ای و سیستمی بودن است. به علاوه اینکه در رویکرد سیستمی، تعارضات ایدئولوژیکی موجود در خاورمیانه، ذاتی و فطری نیستند، بلکه حاصل دخالت بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی و همچنین دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. بنابراین با درک این مسأله که تعارضات ریشه ای اکتسابی و ساختگی دارند، تصمیم سازی و تصمیم گیری برای آنان از مسیر سیاست خارجی امری ممکن و شدنی است. به عنوان مثال، تهدید جلوه دادن انقلاب اسلامی ایران برای کشورهای منطقه خلیج فارس و در مقابل، تأسیس شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با این تهدید نه ذاتی ایدئولوژیکی منطقه، بلکه بیشتر بر مبنای القای این خطرات از سوی بازیگران فرامنطقه ای از جمله ایالات متحده است که به طور مشخص خواهان برهم زدن آرامش در منطقه و وابسته ساختن کشورهای منطقه برای خرید سلاح از این کشور است.

به هر صورت، خاورمیانه یک سیستم چند پیکری است که دارای پیکرهای متفاوتی است و هر پیکر دارای سیکل حیات ویژه‌ای است. استدلال این است که ارتقاء سیاست خارجی و بالا رفتن توان مانور بازیگران در این منطقه می‌تواند با تکیه بر همگرایی و همکاری، منافع بیشتری را نصیب آنان نماید. بدین معنا که بازیگران تا زمانی که اقدامی خصومت‌آمیز و تهدیدکننده علیه دیگری صورت ندهند، اقدام متقابلی انجام ندهند. به نظر می‌رسد این همکاری می‌تواند راهی برای گسترش صلح و ثبات منطقه‌ای ایجاد کند که از نظر نگارنده به روش‌های زیر قابل-تحقق است:

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

-تبیین و شناسایی حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای میان کشورهای مؤثر (از جمله جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه و مصر) براساس مذاکره و تعهدات منطقه‌ای؛ بدین‌معنا در نظم شبکه ای و سیستمی، بازیگران مؤثر می‌توانند با اولویت‌گذاری در مناطق تحت نفوذ خود، از دخالت در مناطقی که اولویت کمتری برای آنان دارد، بپرهیزند. برای مثال، سوریه و عراق برای ایران از اولویت بیشتری برخوردار است، یمن و بحرین برای عربستان سعودی از اهمیت خاصی برخوردارند.

-شناسایی و به رسمیت‌شناختن سازمان‌هایی که هر کدام از کشورها عضو آن هستند و البته طرح این مسأله که هیچ‌کدام از سازمان‌های مذکور خطری برای امنیت‌ملی و مسائل‌داخلی دو کشور ندارند. همچنین درک رفتارهای متعامل میان بازیگران مختلف که براساس آن طیفی از گروه‌های شیعی و سنی نیز دیده می‌شوند. به عنوان مثال، پذیرش توانایی بازیگران شیعی به رهبری ایران و همچنین پذیرش توانایی بازیگران سنی به رهبری برخی کشورها از جمله عربستان سعودی، ترکیه و مصر می‌تواند سیستم های تابعه در شبکه گسترده خاورمیانه را پویاتر و متعاملانه تر جلوه دهد.

-جلوگیری از سیاسی‌شدن مسائل میان بازیگران مختلف. در این زمینه می‌بایست از تسری اختلافات جزئی و عادی به سطوح بالا جلوگیری کنند. به عنوان مثال، درباره کاهش و یا افزایش تولیدات نفتی کشورهای منطقه می‌توانند اختلافات خود را در سازمان اوپک حل‌وفصل کنند و از بروز اختلافات به سطح‌بالا جلوگیری کنند. همین رفتار می‌تواند در زمینه ورود و اعزام حجاج ایرانی به عربستان نیز دنبال شود. چه این‌که بخش اعظمی از اختلافات دو کشور از همین مسائل نشأت می‌گیرند. به‌عبارتی ساده‌تر، نباید با این مسائل برخوردی سیاسی داشت و به افزایش تنش‌ها دامن‌زده شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

منابع

احمدی خوی، امیررضا، متقی، ابراهیم، نیاکوئی، امیر (۱۳۹۶)، آرمان‌های راهبردی و عمل‌گرایی تاکتیکی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره اول، صص ۱۱۲-۸۲.

آشوری، داریوش (۱۳۵۴)، فرهنگ سیاسی، چاپ هشتم،تهران: انتشارات مروارید.

افشین‌نیا، شیرین (۱۳۹۴)، استراتژی همگرایی منطقه‌ای برای توسعه؛ پیشنهاد و نقش سازمان‌های بین منطقه‌ای در نظام بین‌الملل؛ کشورهای خاورمیانه به عنوان مطالعه موردی، چهارمین الگوی کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اردیبهشت ۹۴.

اکوانی، حمدالله، موسوی نژاد ولی(۱۳۹۲)، نظریه آشوب، مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم شماره دوم، ۱۹۲-۱۹۳.

اکوانی، حمدالله، موسوی‌نژاد، ولی (۱۳۹۳)، هویت اسلامی-ایرانی از دیدگاه نظریه آشوب و پیچیدگی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره چهارم، صص ۱۶۷-۱۴۹.

بهمنش و جوکار، حسین و مهدی (۱۳۹۶)، جهانی شدن و تأثیر آن در جذابیت هویتی گروه تکفیر-تروریستی داعش، مطالعات روابط فرهنگی بین المللی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال دوم، شماره اول، بهار ۹۶، صص ۵۲-۲۹.

بوزان و ویور، باری و ال (۲۰۰۳)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی، ترجمه قدیر نصری، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۴.

جوادی ارجمند، محمدجعفر، احمدی، حسن (۱۳۹۱)، موانع همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس از منظر ژئوپلیتیک، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۴، زمستان ۹۱.

خوشوقت، محمد حسین(۱۳۷۵)، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه.

دکمجیان، هرایر (۱۳۸۳)، اسلام در انقلاب؛ جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کیهان.

دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر سمت.

روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، نشر روزنه.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۲)، عقل و توسعه یافتگی، تهران: نشر سفیر.

صالحی، مختار، زارع، رحمان (۱۳۹۶)، خلأ قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۱۱۴-۹۳.

صالحی‌فر، مریم (۱۳۹۲)، چرخه قدرت در سیستم‌های پیچیده و آشوب بر مدل دیپلماسی منطقه‌ای (مطالعه موردی: دیپلماسی منطقه‌ای در خاورمیانه)، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شیراز.

عامری، هوشنگ (۱۳۸۷)، سیاست خارجی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، خردادو تیر ماه، شماره نهم و دهم.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

علی‌پور، عباس، حیدری، جهانگیر، فعلی، امین (۱۳۹۳)، عوامل درونی و بیرونیِ موثر بر گسترش جریان‌های تکفیری در جنوب غرب آسیا، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و سوم، صص ۲۳۰-۱۹۷.
قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
قاسمی، فرهاد (۱۳۹۶)، نظریه پیچیدگی و آشوب: چرخشی نوین در تبیین تکامل شبکه های منطقه ای، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۴، صص ۱۰۲۴-۱۰۰۵.
قاسمی، فرهاد (۱۳۹۷)، گذار در سیستم‌های بین المللی پیچیده-آشوبی: ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۹۰-۱۵۸.
کسینجر، هنری (۱۳۸۳)، دیپلماسی، ترجمه فاطمه سلطانی یکتا و رضا امینی، تهران، انتشارات اطلاعات.
مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸)، مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
موسوی نژاد، سید ولی (۱۳۹۲)، نظریه آشوب در علوم سیاسی؛ مطالعه موردی: ایران بین سالهای ۱۳۹۱-۱۳۷۶؛ پایان نامه کارشناسي ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
نکته‌دان، حوریه، سیفی آتشگاه، حافظیه (۱۳۹۰)، اینترنت و تأثیر آن بر فعالیت های القاعده، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۶۹-۲۷.
الوانی، مهدی (۱۳۷۴)، نظریه بی نظمی یا نظم غایی و مدیریت، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۱، زمستان ۷۴، صص ۴۱-۲۹.

منابع لاتین

Alajmi, Zafar (2014), Gulf military Cooperation: Tangible Gains or Limited Results?, in Gulf cooperation Coucils; challenges and Prospects, Allazeera Center for Studies.

ALTORFI, ADEL (2012), Underestanding the role of state identity in forign policy decision-making, the rise and demise of Soudi- Iranian Rapprochement (1997-2009), The London School of Economics and Political Science, pp 1-349.

Cordesman, Anthony(2015), The Changing Security Balance in the Gulf. Center for Strategic and International Studies,at:http://csis.org/program/changing securitybalance-in-the-Gulf.

Laquer, Walter (1996); Postmodern Terrorism, Foreign Affairs, Vol.75.

Ruelle, D. (1979), "Sensitive dependence on initial condition and turbulent behavior of dynamical systems", Annals of the New York Academy of Sciences, 316(1), 408-416.

Stempel, John (1995)Patterson School of DiplomacyRev. The Patterson School of Diplomacy and International, Commerce University of Kentucky.

Saunders, Harold (1990), "An Historic Challenge to Rethink How Nations Relate," Ch. 1 in

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]

The Psychodynamics of International Relations, Vol I: Concepts and Theories, Vamik Volkan, et al eds. Lexington Books, 1990.

Takagi, Shinji (2012), Establishing Monetary Union in the Gulf Cooperation Cuoncil; What Lessons for Regional Cooperation? No. 390, Asian Development Bank Institute.

Walt, Stephen (1985), Alliance formation and the balance of word poewer, International Security, Vol. 9, No. 4, 3-43.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۶

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

رشیدی، محمد جواد؛ عسکرخانی، ابومحمد؛ مرادی، مریم (۱۳۹۹)، «پیچیدگی سیاست خارجی در خاورمیانه، ارتقاء در نظم آشوب» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۴، زمستان ۹۹، صص ۱۴۸-۱۲۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.6.3]